

بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال منطقه یک و پنج شهر شیراز)

سید سعید زاهد*

زهرا آذرگون☆

بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای در حال توسعه رشد شتابان و ناهمگون شهرنشینی است. این مسئله، برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی، یعنی روستا به شهر است که یکی از بازتاب‌های آن، رشد حاشیه‌نشین است. حاشیه‌نشینان، اگرچه در پیرامون شهر زندگی می‌کنند و از اقتصاد شهر زندگی می‌گذرانند ولی جذب اقتصاد و فرهنگ شهری نشده‌اند. این پژوهش عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین را در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز مورد بررسی قرار داده است. نظریه‌های مورد استفاده ترکیبی از نظریه اسکار لوتینز، پارک و برگس، راجرز و کلود گرون است. نحوه همسرگزینی، خانواده‌گرایی، مردسالاری و دین‌محوری چهار شاخص فرهنگی هستند که تفاوت‌های آنان به عنوان تفاوت‌های فرهنگی بین حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش، پیمایش براساس طرح مقطعی است و اطلاعات مورد نیاز به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، از بین ۴۰۵ نفر از جوانان شهر شیراز جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره نشان می‌دهد که متغیرهای شغل مادر، شغل پدر، استفاده از رسانه، بعد خانوار، تحصیلات فرد و تحصیلات مادر در گروه غیر حاشیه‌نشین، متغیرهای شغل پدر، استفاده از رسانه، تحصیلات فرد، درآمد و بعد خانوار برای گروه حاشیه‌نشین و متغیرهای استفاده از رسانه، شغل پدر، بعد خانوار و تحصیلات فرد برای کل نمونه، مهم‌ترین متغیرهایی هستند که تغییرات فرهنگ را در این پژوهش تبیین می‌کنند. این متغیرها برای گروه غیرحاشیه‌نشین ۷۰ درصد، برای گروه حاشیه‌نشین ۶۱ درصد و برای کل نمونه ۷۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشین، فرهنگ، جوانان، شهرنشینی، شیراز.

* عضو هیئت علمی بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز

zahedani@shirazu.ac.ir

z.azargon@gmail.com

☆ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

مقدمه

قرن بیست و یکم در حالی آغاز شد که حدود نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کردند و انتقال شهری^۱ صورت گرفته بود (نقدی ۱۳۸۱). در دوران اخیر، بیش از هر دوره دیگر، جهان شهری است و این روند در حال تزیاد است. در طول تاریخ تمدن بشری، هیچ‌گاه زندگی و تمدن به این اندازه قدرت و قابلیت جابه‌جایی و رشد را نداشته است. شهرنشینی به سرعت در حال افزایش است (لطیفی ۱۳۸۳) و گرچه در جهان، خاصه در مشرق‌زمین، سابقه‌ای کهن دارد و آثار عظیم آن و بناهای ارزشمند از گذشته دور بر جای مانده است، اما رشد بی‌سابقه شهرها در عصر حاضر به دنبال توسعه صنعت و در قرن نوزدهم اتفاق افتاد. همراه با رشد سریع جمعیت، شاهد ظهور و گسترش شهرهای بزرگ و غول‌آسا و متراکم هستیم که تا پیش از قرن نوزدهم و انقلاب صنعتی سابقه نداشته است (توسلی ۱۳۷۴: ۱۰).

تردیدی نیست که رشد و توسعه سریع و ناهماهنگ شهرها و نامتعادل بودن جمعیت آنها، مانع توسعه هماهنگ است. این رشد انفجاری، به‌خصوص در کشورهای جهان سوم، بیشتر برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی (روستا به شهر) است و از بازتاب‌های اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن می‌توان به رشد گروه‌ها و جوامع حاشیه‌نشین اشاره کرد که در جاهای مختلف به شکل‌های گوناگون مانند آلودگی‌نشین، زاغه‌نشین، کپرنشین، حلبی‌آبادها و نظایر آن، بروز کند (ربانی ۱۳۸۳). حاشیه‌نشینان در سازمان سکونتگاهی کشور، شکلی از نحوه زیست را سامان داده‌اند که نه شهرنشینی است نه روستانشینی. اگرچه در پیرامون شهر زندگی می‌کنند و گذران آنها از اقتصاد شهر است، ولی جذب اقتصاد، اجتماع و فرهنگ شهری نشده و یک قطب جدید و نوظهور ایجاد کرده‌اند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت مناطق حاشیه‌نشین محدوده خاصی از شهر هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند (حبیبی ۱۳۷۷: ۶). در واقع، حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی-اجتماعی شهر نشده‌اند (زاهد زاهدانی ۱۳۸۰: ۶).

امروزه بسیاری از کلان‌شهرهای کشورمان مانند تهران، اهواز و شیراز، مقصد گروه‌هایی است که به دلایل مختلف مانند بیکاری، درآمد پایین و کمبود خدمات رفاهی به این‌گونه مناطق روی آورده‌اند و چون نمی‌توانند جذب بافت اصلی شهر شوند، به‌ناچار به حاشیه شهرها رانده می‌شوند.

1. urban transition

توسعه شهرنشینی در دهه‌های اخیر، موجب رشد شتابان جمعیت شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است. جمعیت شهری ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۶ برابر شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰، جمعیت شهرنشین کشور به ۸۰ درصد کل جمعیت افزایش یابد (زنجان‌ی ۱۳۶۷: ۴۷). این افزایش چشمگیر جمعیت شهرنشین تنها به دلیل زاد و ولد نیست، بلکه در نتیجه تحرک مکانی قسمت عمده‌ای از جمعیت مناطق روستایی است که به دلیل به هم خوردن اقتصاد روستایی به سوی شهرها هجوم آورده‌اند و چون شهرها قدرت جذب همه این افراد را ندارند، برخی از آنان در حاشیه شهرها مسکن گزیده‌اند (حبیبی ۱۳۷۷: ۶).

عدم جذب حاشیه‌نشینان در نظام اقتصادی و اجتماعی شهرها، حاکی از آن است که حاشیه‌نشینان به عنوان شهروندان رسمی و مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند. بنابراین، این عدم جذب، در نظام اقتصادی و اجتماعی شهر به صورت‌های گوناگون رخ می‌نماید. یکی در قالب مسکن، دیگری شیوه زندگی و روابط اجتماعی آنان که با رویه و روابط اجتماعی افراد متعارف جامعه شهری متفاوت است (حاج یوسفی ۱۳۸۱: ۱۷۷).

زاهد زاهدانی بر این باور است که: «حاشیه‌نشینان، بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند که اغلب فاقد مهارت شهری و بعضاً غیرماهرند. این افراد به علت عوامل رانش زادگاه خود، و کمتر به دلیل جاذبه شهری، زادگاه خود را ترک می‌کنند و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری، از یک سو، و بر اثر عوامل پسران شهری، از سوی دیگر، از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به هم پیوسته یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند. به طوری که محل سکونت آنها و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر و مالکیت آنها غالباً غصبی است. همچنین حاشیه‌نشینان از نظر وضعیت فرهنگی نیز با جمعیت شهری متمایزند» (زاهدانی ۱۳۸۰: ۱۰). آندرسون^۱ (۱۹۹۸) نیز بیان می‌کند که عنوان حاشیه‌نشین برای توضیح و تحلیل وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مردم محرومی استفاده می‌شود که برای به دست آوردن منابع و مشارکت کامل در زندگی اجتماعی کشمکش می‌کنند (آندرسون ۱۹۹۸).

از مهم‌ترین توان‌های نهفته در این اجتماعات حاشیه‌نشین، که به دلیل رانده شدن از قافله توسعه، تبعات زندگی حاشیه‌ای‌گریبان‌گیر آنها شده، نیروی انسانی فراوان و جوان است که با کسب دانش و مهارت لازم می‌تواند به سرمایه‌انسانی تبدیل شود. براساس نظر دبیرخانه شورای

1. Anderson

عالی جوانان ایران (۱۳۷۹)، دختران و پسران ایرانی به‌طور متوسط در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی به بلوغ جنسی می‌رسند و به‌طور میانگین در سنین ۲۶ تا ۲۸ سالگی اکثر آنها متأهل و شاغل می‌شوند. سازمان ملی جوانان فاصله سنی ۱۳ تا ۲۸ سالگی را دوره جوانی می‌نامد (دبیرخانه شورای عالی جوانان ۱۳۷۹:۴). طبق تعریف سازمان ملل^۱ (۲۰۰۲)، افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله هر جامعه، جوانان آن جامعه را تشکیل می‌دهند.

زندگی حاشیه‌نشینی و کنش متقابل اعضای آنها با یکدیگر، عامل به‌وجودآورنده فرهنگ خاصی است که با فرهنگ شهری تفاوت دارد. خرده‌فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل شده است که کم‌وبیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آنها با یکدیگر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. در واقع این افراد در زمان واحد به دو فرهنگ خاص احساس تعلق می‌کنند. این تعارضات فرهنگی ناشی از دو محیط فرهنگی متفاوت، موجب بروز پیامدهای نامطلوبی می‌شود (ریانی ۱۳۸۳:۹۴).

تایلر^۲ (۱۸۹۱) فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد» (تایلر ۱۸۹۱ در روح‌الامینی ۱۳۷۴:۱۲۲). تعریف تایلر از فرهنگ، به عنوان تعریفی جامع و مانع، معروف است. از سوی دیگر، می‌توان گفت فرهنگ شامل مجموعه ادراکاتی است که به توافق جمعی رسیده است. از این دیدگاه، فرهنگ شامل سه بعد ارزش و اخلاق، علم و معرفت و فن‌آوری و مهارت‌هاست (زاهدانی ۱۳۸۴:۸۳). در واقع، می‌توان گفت در تعریف زاهد آن اقلام فرهنگی که تایلر در تعریف خود برشمرده است، به‌گونه‌ای دسته‌بندی می‌شوند.

در این تحقیق، فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، معتقدات، سنن و رفتارهایی که فرد از جامعه فرامی‌گیرد، در نظر گرفته شده است. این تعریف، با تعریف زاهد از لایه فرهنگ عمومی مطابقت می‌کند (زاهد ۱۳۸۴:۸۵). ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها با عادت و هنجار رابطه بسیار نزدیک دارند. ارزش‌های اجتماعی، نشأت گرفته از باورهای جمعی اند که رفتارهای اعضای یک جامعه را تعیین می‌کنند. احترام گذاشتن به موارد خاصی مانند خانواده‌گرایی، پدرسالاری و مادرمحوری نمونه‌ای از این رفتارهاست.

1. United Nations (UN)

2. Taylor

فرهنگ فقری که حاشیه‌نشینان و بالاخص جوانان حاشیه‌نشین تجربه می‌کنند، با فرهنگ جوامع شهری متفاوت است. این جوانان در رویارویی با فرهنگ شهری دچار تعارض می‌شوند: تعارض فرهنگ مبدأ و فرهنگ مقصد. بنابراین، مسئله حاشیه‌نشینان یا اسکان غیررسمی شهرها صرفاً کالبدی نیست و برآمده از عوامل ساختاری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است (صرافی ۱۳۸۱).

با توجه به اهمیت وافر این مسئله و مشکلات فراوانی که در دامن خود می‌پروراند، لازم است پیگیری جدی در این زمینه صورت پذیرد. مسئله‌ای که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر شیراز و عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر آن است. در واقع، سؤال اساسی این است که تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین چیست و چه عواملی می‌توانند بر روی آن تأثیر بگذارند؟

شهرستان شیراز در سال ۱۳۸۵ با جمعیتی بالغ بر بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر (مرکز آمار ایران ۱۳۸۶)، یکی از شهرهایی محسوب می‌شود که با پدیده حاشیه‌نشین و مهاجرت در چند دهه اخیر مواجه شده است. تغییر و تحولات به وجود آمده در شهر شیراز منحصراً پدیده‌ای جمعیتی نیست، بلکه پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که باید در برنامه‌ریزی‌ها به آن پرداخت. بر این اساس، پژوهش حاضر به منظور شناخت پدیده حاشیه‌نشین از نقطه نظر فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، چراکه مواجه شدن با محیط‌های نامأنوس شهری و انتخاب حاشیه‌نشین، به عنوان شکلی از سکونت، و قرار گرفتن در شرایط متفاوت فرهنگی شهرها برای کسانی که از فرهنگ خود جدا شده‌اند، تنش‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد. فرهنگ آنها اختلاطی از فرهنگ شهر و روستا است. از یک‌سو، عادات و ارزش‌های قبلی کاملاً از بین نرفته است و از سوی دیگر، ارزش‌ها و عادات جدیدی باید جایگزین شود. بدین‌سان دچار تعارضات فرهنگی می‌شوند و در شکل حاد آن بی‌هنجاری شکل می‌گیرد.

در این تحقیق، به مطالعه مقایسه‌ای بین منطقه حاشیه‌نشین (منطقه پنج) و منطقه مرفه‌نشین (منطقه یک) شهر شیراز پرداخته می‌شود. به دلیل افزایش جمعیت جوان کشور و این امر که بیشترین مهاجران به سوی کلان‌شهرها را جوانان تشکیل می‌دهند، بررسی تفاوت فرهنگ جوانان حاشیه‌نشین و مقایسه آنها با سایر مناطق شهری و عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با آن ضروری است. همچنین این مطالعه تلاش دارد مدلی برای تبیین تفاوت‌های فرهنگی براساس حوزه سکونتگاهی ارائه دهد، تا در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی تفاوت فرهنگ جوانان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین و عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر آن است. از دیگر اهداف این تحقیق به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- تبیین عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین جوانان و اولویت‌بندی آنها.
- بررسی متغیرهای جمعیتی (نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل) مؤثر بر تفاوت فرهنگ جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین.
- ارائه الگوی مطالعاتی برای تبیین تفاوت‌های فرهنگی در سکونت‌گاه‌های مختلف.

مروری بر تحقیقات پیشین

در تحقیقات داخلی مطالعه‌چندان وسیعی در مورد فرهنگ حاشیه‌نشینان صورت نگرفته است. در ادامه به چند تحقیق در این مورد اشاره می‌شود. ربانی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، نتیجه گرفته‌اند که بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد و این امر در نهایت باعث حاکم‌شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است (ربانی و همکاران ۱۳۸۳).

حسین‌پور (۱۳۸۳) نیز به مطالعه نقش و تأثیر بدیده حاشیه‌نشینی، به عنوان یک متغیر بیرونی، در تغییرات ساختار خانواده، یعنی رفتارها و روابط اعضا با هم، می‌پردازد. متغیرهای این پژوهش جامعه‌پذیری، کنترل و نظارت و روابط زن و شوهر هستند. در این تحقیق، در نهایت دو فرضیه از فرضیه‌های ارائه‌شده یعنی تغییر در شیوه جامعه‌پذیری و کنترل و نظارت فرزندان تأیید شده‌اند (حسین‌پور ۱۳۸۳).

احمدی و همکاران در تحقیقی به «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز» پرداخته‌اند. هدف این بررسی یافتن تأثیر شاخص‌های فرهنگ فقر بر گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه است. یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه معناداری بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر، نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده، وجود دارد (احمدی و همکاران ۱۳۸۳).

الماسی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان» (مطالعه موردی دانش‌آموزان پسر

مقطع متوسطه شهر ایلام)» انجام داده است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهایی شامل زمینه مطالعه، کنترل خانواده، همدردی اعضای خانواده، ازهم‌گسیختگی خانواده، تمایل به مدرسه، تعداد دوستان بزهکار، تمایل به دوستان و میزان مصرف اقلام فرهنگی خارجی، عوامل تأثیرگذار روی تمایل به بزهکاری در بین دو ناحیه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین هستند. متغیرهای سن پاسخگویان، سوابق تجربی بزهکاری اعضای خانواده و صحبت کردن با زبان محلی در بین غیرحاشیه‌نشینان، تفاوت معناداری در ارتباط با تمایل به بزهکاری را دارا بودند. در کل، این مطالعه تفاوت معنی‌داری میان عوامل مهم تأثیرگذار بر تمایل به بزهکاری در میان حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان را نشان می‌دهد (الماسی ۱۳۸۶).

در بین تحقیقات خارجی نیز می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد. ودلد^۱ (۲۰۰۲) در تحقیق «معیشت و عملکرد جمعی در بین ساکنان زاغه‌نشین کلان‌شهر دهلی‌نو» نشان داده است که در مقابل اذهان عمومی که مردم زاغه‌نشین را مردمی فقیر و بیکار می‌دانند، ۷۵ درصد از سرپرستان خانوارهای نمونه، تحصیلات ابتدایی و بیش از ۲۰ درصد تحصیلات دبیرستانی دارند. بیش از ۹۵ درصد استخدام هستند و درآمد آنها بالاتر از خط فقر است. اکثر خانه‌ها دارای تلویزیون و رادیو و بیشتر خانواده‌ها دارای راهکارهای اقتصادی طولانی‌مدت هستند. نتایج این پژوهش بیان می‌کند که باید به جای متمرکز شدن بر روی این‌که زاغه‌نشین‌ها چه کسانی هستند و چگونه به جامعه متصل می‌شوند؟ باید در مورد پویایی زاغه‌نشین‌ها تحقیق کرد و این‌که آنها از چه ظرفیتی برخوردارند و چگونه در راهبردهای شهری تنظیم می‌شوند؟ در نهایت بیان می‌شود که دولت باید علاوه بر توان‌بخشی زاغه‌نشین‌ها، روی منابع قابل دسترس آنها نیز تمرکز کند (ودلد ۲۰۰۲).

آکینیمی^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی پیرامون رابطه مهاجرت با دگرگونی‌های روستا-شهری، به کشف موضوعات جدید برای درک حرکت‌های مهاجرت و ارتباط آن با دگرگونی‌های روستا-شهری در جنوب غربی نیجریه می‌پردازد. نتایج پژوهش نشانگر آن است که وضعیت فعلی مهاجرت نیجریه، بازتابی از پیوندهای بین نواحی روستا-شهری است و فرایند شهرنشینی سریع، سیاست اجتماع محلی و چالش‌های به‌وجودآمده توسط گروه‌های مشارکت‌کننده، بر یک مدل انتقالی برای درک مهاجرت‌های داخلی در نیجریه اشاره دارد (آکینیمی ۲۰۰۵).

الدینگ^۳ و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی «حاشیه‌نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آنها» در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجر

1. Vedeld
3. Eldering

2. Akinyemi

حاشیه‌نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در معرض خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده‌های مهاجر در اروپای شمال غربی، به‌ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند، را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهماهنگی فرهنگی می‌شوند. الگوی نقش سنتی در راهنمایی فرزندان، جهت فرهنگ‌پذیری آنان بعد از مهاجرت، کاربرد کمی دارد. تفاوت بین سطح فرهنگی والدین و فرزندان، علت بسیاری از تعارضات به‌ویژه در ارتباط با آموزش همسالان و ازدواج است.

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق، با توجه به نظریه‌های ارائه‌شده در مورد حاشیه‌نشینی و فرهنگ آنها از نظریه‌های بوم‌شناختی پارک^۱، نظریه راجرز^۲، نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیز^۳ (۱۹۵۹) و نظریه کلود گرون^۴ استفاده شده است.

در نظریه پارک و برگس^۵، برخی از عوامل جمعیتی حاشیه‌نشینان نظیر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه سکونتگاهی و تراکم جمعیت مورد تأکید قرار گرفته است. به عقیده کلود گرون با رشد اقتصادی و اشتغال کامل، درآمد افراد فقیر افزایش و وضعیت حاشیه‌نشینان بهبود می‌یابد. به اعتقاد راجرز، در برخی از فرهنگ‌ها، عموماً زمینه برای نوآوری نسبت به فرهنگ‌های دیگر بیشتر است. او علل عقب‌ماندگی جامعه دهقانی را عناصر بازدارنده‌ای می‌داند که شامل فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی است (ازکیا ۱۳۸۱: ۱۱۵).

به اعتقاد لوئیز (۱۹۵۹) حاشیه‌نشینی همراه با فرهنگ فقر است و ساکنان این منطقه، که بیشتر از مهاجران هستند، به‌لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، با سایر ساکنین مناطق شهری متفاوت‌اند (لوئیز ۱۹۵۹ در لوئیز ۱۹۹۸). برخی ویژگی‌های اجتماعی حاشیه‌نشینان که لوئیز در فرهنگ فقر خود به آن اشاره کرده و در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته است عبارت‌اند از: محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم در خانواده، نسبت‌دادن عدم موفقیت خود به قضا و قدر، مردسالاری شدید، مادرمحوری، دارا بودن زمینه‌های قومی، زبانی، ضعیف بودن دانش، بینش و ایدئولوژی،

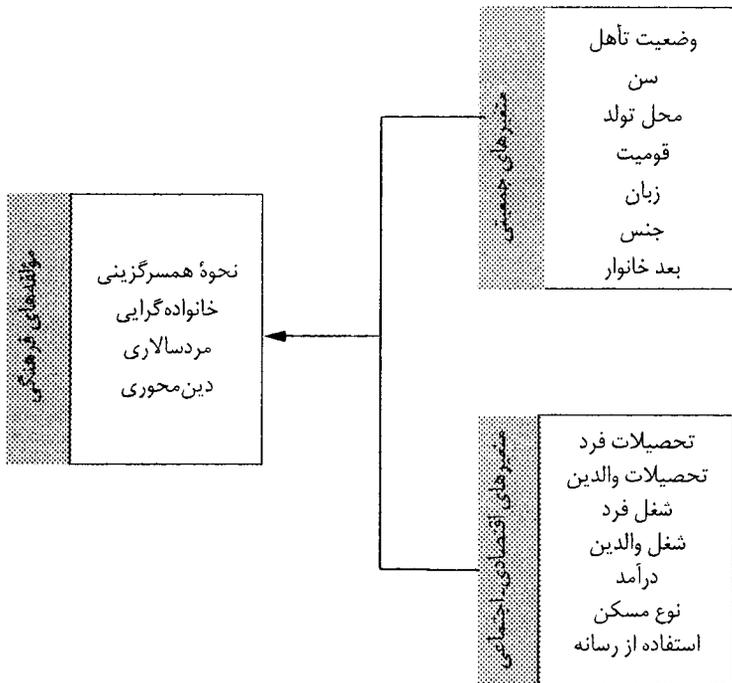
- | | |
|----------------|-----------------|
| 1. Park | 2. Rogers |
| 3. Oscar Lewis | 4. Claude Gruen |
| 5. Burgess | |

پایبندی به هویت قومی، سنت‌ها و ارزش‌های اولیه، بی‌علاقگی به آموزه‌های فرهنگی، بیکاری در بین حاشیه‌نشینان، اعتقادات مذهبی شدید همراه با خرافات، کمبود فضای آموزشی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، فقر مادی خانواده‌ها، فقر فرهنگی به‌خصوص رواج تفکرات متحجرانه بین خانواده‌ها است (لوئیز ۱۹۹۸: ۱۰).

در این تحقیق به خانواده‌گرایی، نحوه همسرگزینی و مردسالاری در ارتباط با نهاد خانواده و دین‌محوری با توجه به نهاد دین، توجه کرده‌ایم. علت انتخاب این چهار مفهوم آن است که نهاد خانواده و نهاد دین در جامعه ما مؤثرترین نهادها بر ارزش‌های اجتماعی، به‌خصوص در بین جوانان هستند، زیرا جوانان هنوز به عرصه اجتماع وارد نشده‌اند و تأثیر نهادهای دیگر، مانند حکومت و اقتصاد، بر آنان کم‌تر از دو نهاد دین و خانواده است. از متغیرهای جمعیتی وضعیت تأهل، سن، محل تولد، قومیت، زبان، جنس و بعد خانوار مورد بررسی قرار می‌گیرد. از متغیرهای اجتماعی-اقتصادی هم تحصیلات و شغل فرد و والدین او، درآمد، نوع مسکن و استفاده از رسانه مورد نظر است.

مدل تجربی زیر (شکل ۱) راهنمای ما در برقراری ارتباط بین عوامل ذکر شده است.

شکل ۱. مدل تجربی



روش تحقیق

در این تحقیق، ضمن مشخص کردن تفاوت فرهنگی بین دو گروه از جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین، نوع فرهنگ را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته‌ایم تا بتوانیم عوامل مؤثر بر آن را به عنوان متغیر مستقل به دست آوریم.

طبق تعریف از فرهنگ و همچنین نظریه‌های استفاده‌شده در چارچوب نظری، همان‌طور که گفته شد، چهار عامل فرهنگی انتخاب شده است: خانواده‌گرایی، شیوه همسرگزینی، مردسالاری و دین‌گرایی. از این رو، برای به دست آوردن نوع فرهنگ حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین، به بررسی چهار عامل ذکر شده می‌پردازیم. در زیر منظور از هر یک از این عوامل را شرح می‌دهیم. خانواده‌گرایی: خانواده اصلی‌ترین واحد جامعه‌پذیری در جامعه ماست. معمولاً ارزش‌ها و اخلاق اجتماعی از طریق خانواده به جوانان انتقال می‌یابد. گرایش بیشتر به خانواده، در واقع گرایش بیشتر به ارزش‌های اصیل اجتماعی را نشان می‌دهد. در این تحقیق، منظور از خانواده‌گرایی این است که فرد تا چه حد در تصمیم‌گیری‌ها به ارزش‌ها و هنجارهای خانواده گرایش دارد. این بعد از فرهنگ در سطح فاصله‌ای و به وسیله طیف لیکرت، مشتمل بر ۵ گویه، سنجیده شده است.

نحوه همسرگزینی: این عامل نوع ارزش‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. این‌که خانواده تا چه حد برای اعضاء خود استقلال قائل است و یا آنان را محدود می‌کند. در این تحقیق، شیوه‌های همسرگزینی به صورت سنتی یعنی براساس انتخاب و تصمیم والدین، براساس توافق جمعی یعنی مشورت و اظهارنظر خانوادگی و براساس انتخاب خود فرد تقسیم می‌شود. این عامل فرهنگی نیز در سطح فاصله‌ای و به وسیله طیف لیکرت، مشتمل بر ۳ گویه، بررسی شده است. مردسالاری: این عامل شیوه مدیریت منزل و در واقع طرز تفکر سیاسی حاکم بر خانواده را نشان می‌دهد. اگر در خانواده مردسالاری وجود داشته باشد، دلالت بر این می‌کند که شیوه سنتی تفویض قدرت به پدر وجود دارد که مشروعیت پیروی از دستورات او را تأمین می‌کند. در این تحقیق، نحوه اعمال قدرت پدر و نقش او در نحوه تصمیم‌گیری در خانواده در نظر گرفته می‌شود که در سطح فاصله‌ای، و به وسیله طیفی مشتمل بر ۶ گویه، بررسی شده است.

دین‌محوری: گرفتن ارزش‌ها و هنجارها از دین رسمی جامعه، نوع ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر خانواده را نشان می‌دهد. در این تحقیق، بعد دین‌محوری می‌تواند با شاخص‌هایی از قبیل باورها و اعتقادات دینی، اعمال و رفتارهای دینی و شرکت در اعیاد مذهبی سنجیده شود. این بعد از فرهنگ نیز در سطح فاصله‌ای، و به وسیله طیف لیکرت مشتمل بر ۷ گویه، بررسی شده است.

در این تحقیق، تلفیقی از تعریف سازمان ملی جوانان و سازمان ملل متحد استفاده شده است و جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله به عنوان واحدهای تحلیل انتخاب شدند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برای شهر شیراز، تعداد ۳۶۴,۲۵۱ نفر در گروه سنی ۱۳ تا ۲۸ سال قرار دارند که براساس بلوک‌بندی شهرداری، منطقه یک دارای ۵۵,۶۸۵ جوان ۱۳ تا ۲۸ سال و منطقه پنج دارای ۴۸,۳۸۸ جوان در همین گروه سنی است (مرکز آمار ایران ۱۳۸۶).

با استفاده از جدول لین^۱ (۱۹۷۸) حجم نمونه این پژوهش تعیین شده است. به این ترتیب، حجم نمونه برای جمعیت جوان ۱۰۴,۰۷۳ نفری مناطق یک و پنج شهر شیراز، ۳۸۴ نفر است. شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی و طبقه‌ای است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه، و در تنظیم پرسشنامه از طیف خودساخته (لیکرت ۵ درجه‌ای) برای سنجش استفاده شده است. برای تعیین روایی^۲ سازه ابزار این تحقیق، از تحلیل عاملی^۳ به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. مطابق جدول شماره یک مقدار ضریب KMO^۴ (شاخص کفایت نمونه‌گیری)، آزمون بارتلت^۵ (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) و سطح معناداری $p < 0/000$ ، نشان از وجود شواهد کافی برای انجام تحلیل عوامل دارد.

جدول شماره ۱. آزمون بارتلت برای متغیر فرهنگ

مقدار	نام آزمون
۰/۷۷۲	KMO
۱۹۷۰/۵۳۸	بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معناداری

از تکنیک آلفای کرونباخ^۶ نیز برای سنجش پایایی^۷ مقیاس استفاده شد و گویه‌های با ضریب آلفای کمتر از ۰/۷، به عنوان گویه‌های ناپایا حذف شدند. در بررسی میزان آلفای کرونباخ طیف‌های این پژوهش، مشاهده می‌شود که متغیر وابسته یعنی تفاوت فرهنگ که از ۲۱ گویه تشکیل شده است، دارای آلفای بیش از ۷۵ صدم است. جدول شماره ۲، نشانگر میزان آلفای کرونباخ در هر یک از طیف‌هاست.

1. Lin
2. validity
3. Factor Analysis
4. Kaiser-Mayre-Otkin
5. Bartlets Test of Sphercity
6. Alpha Cronbach
7. Reliability

جدول شماره ۲. میزان آلفای کرونیباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

طیف	مؤلفه فرهنگی	خانواده‌گرایی	مردسالاری	همسرگزینی	دین محوری
تعداد گویه‌ها	۲۱	۵	۶	۳	۷
آلفای کرونیباخ	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۸

یافته‌های پژوهش

تفاوت‌های فرهنگی

در جداول شماره ۳ تا ۷، تفصیل نتایج وضعیت خانواده‌گرایی، مردسالاری، همسرگزینی و دین محوری جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین، براساس یافته‌های این تحقیق را ملاحظه می‌کنیم. جدول شماره ۸ جمع‌بندی هر عامل را عرضه می‌کند.

جدول شماره ۳. وضعیت خانواده‌گرایی در بین جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز

گویه	حوزه سکونت	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱ تا چه حد از گذران اوقات خود با خانواده احساس رضایت می‌کنید؟	غ.حاشیه‌ای	۳۹/۵	۲۶/۳	۲۰	۸/۳	۵/۴
	حاشیه‌ای	۲۳	۲۷/۵	۲۷/۵	۱۱/۵	۸/۵
	کل	۳۱/۲۵	۲۶/۹	۲۳/۷	۹/۹	۶/۹
۲ تا چه حد از حمایت‌های لازم در خانواده برخوردارید؟	غ.حاشیه‌ای	۴۹/۸	۲۷/۳	۱۵/۱	۳/۹	۲/۴
	حاشیه‌ای	۱۴	۳۲/۵	۳۱	۱۳	۷/۵
	کل	۲۵/۶	۲۹/۹	۲۳	۸/۴	۵/۴
۳ فکر می‌کنید تا چه حد از محبت خانوادگی برخوردارید؟	غ.حاشیه‌ای	۴۵/۹	۳۱/۲	۱۵/۶	۲/۹	۲/۹
	حاشیه‌ای	۲۱	۴۰	۲۰	۱۱	۶/۵
	کل	۳۳/۴	۳۵/۶	۱۷/۸	۶/۹	۴/۷
۴ اگر مشکلی برایتان پیش آید، تا چه حد مایل اید آن را با خانواده خود در میان بگذارید؟	غ.حاشیه‌ای	۱۸/۵	۲۸/۸	۳۱/۲	۱۱/۷	۹/۳
	حاشیه‌ای	۱۳	۲۴	۲۴	۲۳	۱۰/۵
	کل	۱۵/۷	۲۶/۴	۲۷/۶	۱۷/۳	۹/۹
۵ تا چه حد والدین شما نسبت به رفتار و اعمال شما نظارت دارند؟	غ.حاشیه‌ای	۲۳	۳۳/۲	۲۶/۳	۱۱/۶	۵/۹
	حاشیه‌ای	۲۱	۲۸	۲۴	۱۲	۹
	کل	۲۲	۳۰/۶	۲۴/۶	۱۱/۳	۷/۴

※ کمتر بودن جمع نسبت‌ها از ۱۰۰ در هر گویه مربوط به سهم افراد بدون پاسخ است.

در جدول فوق مشاهده می‌شود که پاسخگویان غیر حاشیه‌نشین، در گذراندن اوقات خود با خانواده، احساس رضایت بیشتری نسبت به افراد حاشیه‌نشین دارند. پاسخگویان غیرحاشیه‌نشین، حمایت خیلی زیادی از طرف خانواده دارند، درحالی‌که برای گروه حاشیه‌نشین این حمایت کمتر است. جوانان غیرحاشیه‌نشین نسبت به جوانان حاشیه‌نشین، از محبت خانوادگی زیادتری برخوردارند. غیرحاشیه‌نشینان تمایل بیشتری برای مطرح کردن مشکلات خود با خانواده نشان می‌دهند. نظارت والدین غیرحاشیه‌نشین نسبت به حاشیه‌نشین بیشتر است. در نتیجه می‌توان گفت که غیرحاشیه‌نشینان، از خانواده‌گرایی بیشتری نسبت به حاشیه‌نشینان برخوردارند.

جدول ۴. وضعیت مردسالاری در خانواده جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز*

گسویه	حوزه سکونتی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	فکر می‌کنید تا چها حد پدر شما در مورد مسائل خانوادگی (مثل مسافرت رفتن) قدرت تصمیم‌گیری دارد؟	۳۲/۷٪	۲۲/۴٪	۲۶/۸٪	۶/۳٪	۷/۸٪
	حاشیه‌ای	۳۲٪	۲۱٪	۱۹٪	۱۵٪	۸٪
	کل	۳۲/۳٪	۲۱/۷٪	۲۲/۹٪	۱۰/۶٪	۷/۹٪
۲	نقش پدر شما در مورد انتخاب شغل و با رشته تحصیلی‌تان چقدر است؟	۱۶/۵٪	۱۹٪	۲۶/۵٪	۲۰٪	۱۴٪
	حاشیه‌ای	۱۶/۶٪	۱۵/۵٪	۳۱/۲٪	۱۹٪	۱۴/۶٪
	کل	۱۶/۵٪	۱۷/۳٪	۲۸/۸٪	۱۹/۵٪	۱۴/۳٪
۳	فکر می‌کنید تا چه حد پدر شما در مورد ازدواج‌تان مداخله خواهد کرد یا مداخله کرده است؟	۱۵٪	۲۷/۸٪	۳۲/۷٪	۸/۸٪	۹/۳٪
	حاشیه‌ای	۳۲/۵٪	۱۷/۵٪	۱۹٪	۱۳٪	۱۲/۵٪
	کل	۲۴/۳٪	۲۲/۶٪	۲۵/۳٪	۵٪	۱۰/۹٪
۴	شرایط خانه‌ما طوری است که در تمام کارها از پدر باید اجازه گرفت.	۱۴/۱٪	۲۲٪	۲۳/۹٪	۲۸/۸٪	۱۰/۲٪
	حاشیه‌ای	۲۶٪	۳۱٪	۱۵٪	۱۰/۵٪	۷/۵٪
	کل	۲۰٪	۲۶/۵٪	۱۹/۴٪	۱۹/۷٪	۸/۸٪
۵	به‌طور کلی پدرم در بیشتر کارها صاحب اختیار است.	۱۷/۱٪	۲۹/۳٪	۱۲/۷٪	۲۷/۸٪	۸/۸٪
	حاشیه‌ای	۳۲/۵٪	۳۰/۵٪	۱۸/۵٪	۱۱/۵٪	۴٪
	کل	۲۴/۸٪	۲۹/۹٪	۱۵/۶٪	۱۹/۶٪	۶/۴٪
۶	حتی اگر اعضای خانواده به مدارج عالی هم برسند، باز هم پدر در تصمیم‌گیری‌های خانواده، خودش حرف اول را می‌زند.	۱۰/۷٪	۱۵/۶٪	۱۶/۶٪	۴۰٪	۱۲/۷٪
	حاشیه‌ای	۲۵٪	۲۹/۵٪	۱۸٪	۱۵/۵٪	۵/۵٪
	کل	۱۷/۸٪	۲۲/۵٪	۱۷/۳٪	۲۷/۷٪	۹/۸٪

* کمتر بودن جمع نسبت‌ها در هر گویه از ۱۰۰ مربوط به سهم افراد بدون پاسخ است.

در مورد گویه‌های پدرسالاری (جدول شماره ۴) باید گفت، گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین، از نظر قدرت تصمیم‌گیری پدر در خانواده، تفاوت چندانی ندارند. هر دو گروه میزان قدرت تقریباً یکسان و بالایی را برای پدر، در مورد انتخاب شغل و یا رشته تحصیلی، ذکر کرده‌اند. پاسخ‌های ارائه‌شده، نقش زیاده‌تر پدر در امر تصمیم‌گیری برای ازدواج را برای گروه حاشیه‌نشین نشان می‌دهد. سه گویه آخر بررسی، بیانگر نقش زیاد پدر در تصمیم‌گیری‌ها و بیشتر امور مربوط به فرزندان خود، در بین گروه حاشیه‌نشین نسبت به گروه غیرحاشیه‌نشین است. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که نقش پدر در زندگی حاشیه‌نشینان بیش از غیرحاشیه‌نشینان است.

جدول شماره ۵. وضعیت همسرگزینی در خانواده جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز

کمیته	حوزه سکونت	کاملاً موافقم	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالفم ^{**}
۱	غ.حاشیه‌ای	٪۲۲	٪۲۶/۵	٪۱۴	٪۱۹	٪۱۷
	حاشیه‌ای	٪۱۳/۲	٪۲۴/۹	٪۱۷/۱	٪۲۴/۹	٪۱۸/۵
	کل	٪۱۷/۶	٪۲۵/۷	٪۵/۵	٪۲۱/۹	٪۱۷/۷
۲	غ.حاشیه‌ای	٪۱۳/۲	٪۱۶/۱	٪۲۰	٪۲۷/۳	٪۱۹
	حاشیه‌ای	٪۲۲	٪۲۷	٪۱۵	٪۱۹	٪۱۴
	کل	٪۱۷/۶	٪۲۱/۵	٪۱۷/۵	٪۲۳/۱	٪۱۶/۵
۳	غ.حاشیه‌ای	٪۱۳/۲	٪۲۹/۸	٪۱۹/۵	٪۲۰	٪۱۵/۱
	حاشیه‌ای	٪۲۷	٪۳۰	٪۸	٪۱۹	٪۱۳/۵
	کل	٪۲۰/۱	٪۲۹/۹	٪۱۳/۷	٪۱۹/۵	٪۱۴/۳

^{**} کمتر بودن جمع نسبت‌ها از ۱۰۰ در هر گویه مربوط به افراد بدون پاسخ است.

در مورد نحوه همسرگزینی (جدول شماره ۵)، گروه حاشیه‌نشین نسبت به گروه دیگر در مورد انتخاب همسر توسط والدین، ترجیح بیشتری ابراز کرده‌اند. پاسخگویان حاشیه‌نشین موافقت بیشتری با سنتی ازدواج کردن دارند. ازدواج با توافق جمعی، در بین پاسخگویان حاشیه‌نشین بیشتر از پاسخگویان غیرحاشیه‌نشین است، که بر تسلط خانواده و خویشان در امر همسرگزینی در بین حاشیه‌نشینان دلالت می‌کند.

جدول شماره ۶. وضعیت دین‌محوری در بین جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز*

کویه	حوزه سکونت	کاملاً موافقم	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالفم
۱	غ.حاشیه‌ای	۴/۴٪	۲٪	۱/۵٪	۱۰/۷٪	۸۱٪
	حاشیه‌ای	۲/۵٪	۰/۵٪	۲٪	۱۵/۵٪	۷۸/۵٪
	کل	۳/۴٪	۱/۲۵٪	۱/۷٪	۱۳/۱٪	۷۹/۷٪
۲	غ.حاشیه‌ای	۶/۱۸٪	۳/۹٪	۱۳/۲٪	۱۴/۶٪	۶۱/۵٪
	حاشیه‌ای	۲٪	۰/۵٪	۰/۶٪	۲۲/۵٪	۶۶/۵٪
	کل	۴/۴٪	۲/۹٪	۹/۱٪	۱۸/۵٪	۶۴٪
۳	غ.حاشیه‌ای	۲۸/۸٪	۱۶/۶٪	۲۳/۴٪	۱۷/۶٪	۱۷/۲٪
	حاشیه‌ای	۴۴٪	۵٪	۱۷٪	۶٪	۱/۵٪
	کل	۲۶/۴٪	۲۰/۸٪	۲۰/۲٪	۱۱/۸٪	۶/۳٪
۴	غ.حاشیه‌ای	۱۲/۷٪	۱۳/۷٪	۱۹/۵٪	۲۲/۹٪	۲۸/۸٪
	حاشیه‌ای	۱۳٪	۱۵/۵٪	۲۱/۵٪	۱۸/۵٪	۲۸/۵٪
	کل	۱۲/۸٪	۱۴/۶٪	۲۰/۵٪	۲۰/۷٪	۲۸/۶٪
۵	غ.حاشیه‌ای	۱۲/۷٪	۱۷/۶٪	۱۹٪	۲۱/۵٪	۲۷/۱۸٪
	حاشیه‌ای	۸٪	۸٪	۱۳/۵٪	۳۴٪	۳۳/۵٪
	کل	۱۰/۳٪	۱۲/۸٪	۱۶/۲٪	۲۷/۷٪	۳۰/۶٪

* کمتر بودن جمع مقادیر از ۱۰۰ در هر گویه مربوط به افراد بدون پاسخ است.

جدول شماره ۷. ادامه وضعیت دین‌محوری در بین جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز*

کویه	حوزه	اصلاً	بندرت	گاهی	اغلب	همیشه
۶	غ.حاشیه‌ای	۱۳/۲٪	۱۲/۷٪	۱۷/۱٪	۲۱/۵٪	۳۳/۷٪
	حاشیه‌ای	۱۵٪	۱۳/۵٪	۱۴٪	۲۰٪	۳۳/۵٪
	کل	۱۴/۱٪	۱۳/۱٪	۱۵/۵٪	۲۰/۷٪	۳۳/۶٪
۷	غ.حاشیه‌ای	۳۳/۷٪	۲۶/۸٪	۱۷/۶٪	۱۴/۱٪	۳/۹٪
	حاشیه‌ای	۴۱٪	۲۳٪	۱۶/۵٪	۱۵٪	۳٪
	کل	۳۷/۳٪	۲۴/۹٪	۱۷٪	۱۴/۵٪	۶/۴٪

* کمتر بودن جمع مقادیر از ۱۰۰ در هر گویه مربوط به افراد بدون پاسخ است.

در بررسی وضعیت رویکرد مذهبی، هر دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین، مخالفت زیادی با بی‌خدایی نشان داده‌اند (جدول شماره ۶). هر دو گروه با درصد بالایی با برگزیده بودن امامان موافقت دارند، هرچند اعتقاد حاشیه‌نشینان در این مورد بیشتر از گروه دیگر است. هر دو گروه مایل به برخورد با بی‌حجابی هستند، اما غیرحاشیه‌نشین‌ها مخالفت بیشتری در برخورد با بی‌حجابی نسبت به حاشیه‌نشین‌ها داشته‌اند. هر دو گروه تقریباً به یک نسبت واقف‌اند که دین اسلام با پیشرفت‌های امروز موافقت دارد، اما گروه غیرحاشیه‌نشین نسبت به گروه حاشیه‌نشین، موافقت بیشتری در مورد به‌روز بودن اسلام دارند. همچنین، حاشیه‌نشین‌ها موضوع محرم و نامحرم را بیشتر قبول دارند. در مورد اجرای عملی اسلام در نماز خواندن و به مسجد رفتن نیز باید گفت که حاشیه‌نشین‌ها رفتارهای مذهبی کم‌تری دارند (جدول شماره ۷).

جمع‌بندی تفاوت‌های فرهنگی در بین حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان به شرح زیر است: در زمینه خانواده‌گرایی، با توجه به جدول شماره ۸، غیرحاشیه‌نشینان در مجموع از خانواده‌گرایی بالاتری برخوردارند. در بعد مردسالاری، نبود پاسخی در حد خیلی زیاد برای کل فرهنگ جامعه، حکایت از کم‌بودن شدت مردسالاری دارد. اما در مجموع مشاهده می‌شود که جوانان غیرحاشیه‌نشین مردسالاری کم‌تری دارند. عامل سوم فرهنگ در این تحقیق، نحوه همسرگزینی در نظر گرفته شده است. بر اساس جدول شماره ۸، مشاهده می‌شود که غیرحاشیه‌نشینان با همسرگزینی بر اساس تصمیمات والدین کمتر موافق و بیشتر مخالف‌اند. این در حالی است که در بین حاشیه‌نشینان، این وضعیت معکوس و نقش خانواده و خویشاوندان در انتخاب همسر بیشتر است. آخرین عامل فرهنگ، مربوط به رویکرد مذهبی افراد است که بر طبق مجموع‌گویه‌های مذهبی در این پژوهش، افراد غیرحاشیه‌نشین رویکرد مذهبی بالاتری نسبت به افراد حاشیه‌نشین دارند، در حالی که مذهب حاشیه‌نشین‌ها سستی‌تر از غیرحاشیه‌نشینان است.

عوامل مؤثر بر تفاوت‌های فرهنگی

بررسی نتایج به‌دست‌آمده از معادله رگرسیون گام به گام در مورد متغیرهای مستقل و وابسته، حاکی از آن است که متغیرهای مستقلی که سهمی از تبیین واریانس متغیر وابسته داشتند، در گروه غیرحاشیه‌نشین، طی ۶ مرحله، و در گروه حاشیه‌نشین، طی ۵ مرحله، وارد معادله شدند. جداول زیر مراحل مختلف تحلیل چندمتغیره گام به گام دو گروه نمونه و کل نمونه آماری مورد بررسی را برای پیش‌بینی متغیر وابسته نشان می‌دهند.

جدول شماره ۸. وضعیت پاسخ‌دهی به ابعاد مربوط به فرهنگ*

ابعاد فرهنگی	حوزه سکونت	خیلی زیاد یا کاملاً موافق	زیاد یا موافق	متوسط یا بی‌نظر	کم یا مخالف	خیلی کم یا کاملاً مخالف
خانواده‌گرایی	غ. حاشیه‌ای	۴۱/۵۰٪	۳۸/۵٪	۱۱/۷٪	۳/۴٪	۰
	حاشیه‌ای	۱۷٪	۳۸٪	۲۶/۵٪	۴/۵٪	۰
مردسالاری	غ. حاشیه‌ای	۰	۷/۳٪	۲۸/۳٪	۳۰/۲٪	۱۶/۱٪
	حاشیه‌ای	۰	۲۱/۵٪	۳۲٪	۲۱/۵٪	۱۲٪
همسرگزینی	غ. حاشیه‌ای	۴/۴٪	۱۴/۶٪	۲۹/۸٪	۳۱/۷٪	۱۳/۲٪
	حاشیه‌ای	۸/۵٪	۲۳/۵٪	۲۹/۵٪	۲۶٪	۷/۵٪
دین‌محوری	غ. حاشیه‌ای	۲/۹٪	۷/۳٪	۱۷/۶٪	۲۹/۳٪	۳۳/۷٪
	حاشیه‌ای	۱٪	۸/۵٪	۲۹/۵٪	۳۱/۵٪	۱۷٪

* کمتر بودن جمع مقادیر از ۱۰۰ در هر گروه مربوط به افراد بدون پاسخ است.

توجه به جداول شماره ۹ و ۱۰ نشان می‌دهد که در میان گروه غیرحاشیه‌نشین، شغل مادر با همبستگی ۰/۷۱۸ و ضریب تعیین ۰/۵۱۵، بیشترین تأثیر را بر نوع فرهنگ غیرحاشیه‌نشین داشته است. به عبارت دیگر، ۵۱ درصد تغییرات فرهنگ آنان ناشی از موقعیت شغلی مادر است و ضریب بتای ۰/۷۱۸ نشان از همبستگی قوی بین آنها است. در مجموع، در میان گروه غیرحاشیه‌نشین، متغیرهای وارد شده طی ۶ مرحله، با همبستگی ۰/۸۴۰، ضریب تعیین ۰/۷۰۶ و سطح معناداری (۰/۰۰)، بیش از ۷۰ درصد از تغییرات فرهنگی را تبیین می‌کند. توجه به ضریب بتای منفی و سطح معناداری در جداول، به ترتیب نشان از معکوس بودن همبستگی و معنی دار بودن رابطه در سطح ۹۹ درصد است.

جدول شماره ۹. تحلیل چندمتغیره در گروه غیرحاشیه‌نشین برای پیش‌بینی فرهنگ آنها

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R ²	تغییرات R ²	استنباط استاندارد
۱	شغل مادر	۰/۷۱۸	۰/۵۱۵	۰/۵۱۲	۶/۷۵۴۰۱
۲	شغل پدر	۰/۷۶۹	۰/۵۹۲	۰/۵۸۷	۶/۲۱۳۸۴
۳	استفاده از رسانه	۰/۷۹۸	۰/۶۳۷	۰/۶۳۱	۵/۸۷۴۶۷
۴	بعد خانوار	۰/۸۱۶	۰/۶۶۶	۰/۶۵۶	۵/۶۵۱۲۰
۵	تحصیلات فرد	۰/۸۳۰	۰/۶۸۹	۰/۶۸۰	۵/۴۶۹۲۸
۶	تحصیلات مادر	۰/۸۴۰	۰/۷۰۶	۰/۶۹۶	۵/۳۳۰۶۷

جدول شماره ۱۰. عناصر درون معادله برای پیش‌بینی فرهنگ خاص در گروه غیرحاشیه‌نشین

مرحله	نام متغیر	مقدار ثابت a	ضریب b	Beta	T	Sig T
۱	شغل مادر	۲۳/۰۴۵	۱/۲۵۰	۰/۷۱۸	۶/۷۵۷	۰/۰۰
۲	شغل پدر	۱۷/۵۳۶	۰/۵۱۱	۰/۳۵۱	۵/۹۷۱	۰/۰۰
۳	استفاده از رسانه	۷/۳۴۰	۱/۷۴۵	۰/۲۱۷	۴/۸۵۵	۰/۰۰
۴	بعد خانوار	۱۲/۰۲۵	-۱/۰۴۱	-۱/۱۷	-۴/۰۳۰	۰/۰۰
۵	تحصیلات فرد	۷/۳۰۷	۰/۵۷۳	۰/۱۵۶	۳/۷۰۳	۰/۰۰
۶	تحصیلات مادر	۲/۸۵۹	۰/۵۰۱	۰/۱۳۷	۳/۲۹۴	۰/۰۰

توجه به جداول شماره ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد که در میان گروه حاشیه‌نشین، شغل پدر با همبستگی ۰/۵۴۴ و ضریب تعیین ۰/۲۹۵، بیشترین تأثیر را بر تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشینی و غیرحاشیه‌نشینی داشته است. به عبارت دیگر، ۲۹ درصد تغییرات فرهنگ حاشیه‌نشینی، ناشی از موقعیت شغلی پدر است که ضریب بتای ۰/۵۴۴، نشانه همبستگی قوی بین آنهاست. بعد از متغیر شغل پدر، بیشترین متغیر اثرگذار بر روی فرهنگ، استفاده از رسانه‌ها با همبستگی ۰/۶۴۴، ضریب تعیین ۰/۴۱۴ و ضریب بتای ۰/۳۶۴ است. در مجموع، در میان گروه حاشیه‌نشین، متغیرهای وارد شده طی ۵ مرحله، با همبستگی ۰/۷۸۴، ضریب تعیین ۰/۶۱۵ و سطح معناداری (۰/۰۰)، بیش از ۶۰ درصد از تغییرات فرهنگی را تبیین می‌کنند. توجه به ضریب بتای منفی و سطح معناداری در جداول، به ترتیب نشان از معکوس بودن همبستگی و معنی‌دار بودن رابطه در سطح ۹۹ درصد است.

جدول شماره ۱۱. تحلیل چندمتغیره در گروه حاشیه‌نشین برای پیش‌بینی متغیر وابسته

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R ²	تغییرات R ²	اشتباه استاندارد
۱	شغل پدر	۰/۵۴۴	۰/۲۹۵	۰/۲۹۲	۱۶/۹۲۴۴۵
۲	استفاده از رسانه	۰/۶۴۴	۰/۴۱۴	۰/۴۰۸	۱۵/۴۷۵۹۰
۳	تحصیلات فرد	۰/۷۲۱	۰/۵۲۰	۰/۵۱۲	۱۴/۰۴۷۱۳
۴	درآمد	۰/۷۶۶	۰/۵۸۷	۰/۵۷۸	۱۳/۰۶۷۲۸
۵	بعد خانوار	۰/۷۸۴	۰/۶۱۵	۰/۶۰۵	۱۲/۶۴۴۸۷

جدول شماره ۱۲. عناصر درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته در گروه حاشیه‌نشین

مرحله	نام متغیر	مقدار ثابت a:	ضریب b	Beta	T	Sig T
۱	شغل پدر	۱۹/۵۱۲	۱/۰۲۱	۰/۵۴۴	۶/۸۶۶	۰/۰۰
۲	استفاده از رسانه	۹/۷۴۷	۳/۴۷۸	۰/۳۶۴	۶/۱۳۵	۰/۰۰
۳	تحصیلات فرد	-۱۲/۱۵۴	۲/۸۶۳	۰/۳۴۳	۶/۳۸۴	۰/۰۰
۴	درآمد	-۱۳/۹۱۳	۴/۲۱۲	۰/۲۶۸	۵/۴۵۸	۰/۰۰
۵	بعد خانوار	۳/۲۲۵	-۱/۵۴۰	-۰/۱۹۲	-۳/۶۷۴	۰/۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در رابطه با ابعاد فرهنگی بین جوانان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین در جامعه مورد نظر، مشخص شد که جوانان حاشیه‌نشین از خانواده‌گرایی کمتر، مردسالاری بیشتر و دین‌محوری کمتر نسبت به جوانان غیرحاشیه‌نشین برخوردارند. همچنین همسرگزینی حاشیه‌نشین‌ها نسبت به گروه دیگر بیشتر بر اساس توافق والدین صورت می‌گیرد تا براساس تصمیمات خود فرد.

تفسیر نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره گام به گام نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده، متغیرهای شغل مادر، شغل پدر، استفاده از رسانه، بعد خانوار، تحصیلات فرد و تحصیلات مادر در گروه غیرحاشیه‌نشین، همچنین متغیرهای شغل پدر، استفاده از رسانه، تحصیلات فرد، درآمد و بعد خانوار برای گروه حاشیه‌نشین، مهم‌ترین متغیرهایی هستند که تغییرات فرهنگ آنان را در این پژوهش تبیین می‌کنند. این متغیرها برای گروه غیر حاشیه‌نشین ۷۰ درصد و برای گروه حاشیه‌نشین ۶۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در مجموع ارزیابی یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل پژوهش حاضر، از قدرت تبیین و پیش‌بینی بالایی برخوردار است.

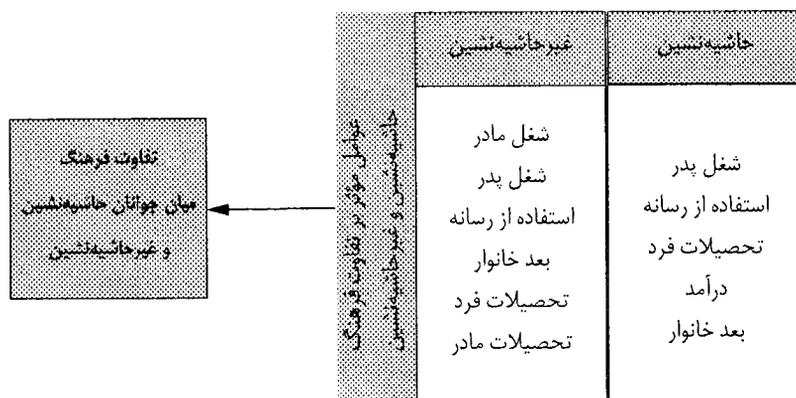
شغل یکی از عوامل عمده در تعیین پایگاه اجتماعی است. طبقات اجتماعی مختلف از فرهنگ‌های متفاوت برخوردارند. در این تحقیق، نیز به تفاوت‌های فرهنگی حاشیه‌نشینان و دیگرانی که در مناطق مرفه شهر زندگی می‌کنند اشاره شد. شغل پدر یکی از عوامل مهم در تعیین منزلت خانواده است. نتایج تحقیق حاضر مبین این امر است که غیر از شغل پدر، که عامل درجه یک تعیین‌کننده فرهنگ در بین حاشیه‌نشین‌ها بوده است، در بین غیرحاشیه‌نشین‌ها، شغل مادر عامل درجه یک در تعیین نوع فرهنگ بوده است. امروزه که مادران به عرصه کار در جامعه وارد شده‌اند، نقش مهمی در تعیین منزلت و فرهنگ خانواده ایفا می‌کنند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچه درآمد افراد یا خانواده‌های آنان بیشتر باشد، دارای بعد خانوار کمتری باشند و خود فرد و والدین او دارای مشاغلی باشند که این مشاغل احتیاج به تحصیلات در سطح بالا داشته باشد، میزان فرهنگ غیرحاشیه‌نشینی آنها افزایش می‌یابد. همچنین میزان استفاده از رسانه نیز در سطح ۹۵ درصد، به‌تنهایی بیش از ۷۰ درصد از تغییرات فرهنگ را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به اقلامی که لوئیز برای فرهنگ فقر برشمرده است، می‌توان گفت که ویژگی‌های فرهنگ حاشیه‌نشینان در شهر شیراز شامل محرومیت مالی، محرومیت از حمایت خانواده، مردسالاری، سواد کمتر والدین و روابط متحجرانه خانوادگی است. تحقیق ما نشان می‌دهد که تنها تفاوت بارز در میان حاشیه‌نشینان شهر شیراز با فرهنگ فقر اسکار لوئیز، این است که از اعتقادات مذهبی کمتری نسبت به غیرحاشیه‌نشینان این شهر برخوردارند. به مناسک دینی کمتر رفتارکنند و عقاید دینی آنان متحجرانه است. در صورتی که غیرحاشیه‌نشینان این شهر، پیروی از دین را با تبعیت از مظاهر رشد و پیشرفت مغایر ندانسته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت، افزایش سطح سواد و مهارت حاشیه‌نشینان و ترغیب مردم به استفاده درست از رسانه‌ها، می‌تواند در ارتقاء فرهنگ حاشیه‌نشینان بسیار مؤثر باشد. با توجه به متغیرهایی که در این پژوهش توانستند بر روی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان تأثیر داشته باشند، این تحقیق مدل زیر را برای مطالعات فرهنگی در زمینه حاشیه‌نشینان پیشنهاد می‌کند:

شکل ۲. مدل پیشنهادی پژوهش



منابع

- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۳) «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد ۱۹، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۸.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، نشر کلمه، چاپ چهارم.
- الماسی، مسعود (۱۳۸۶) «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهرستان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی شهری*. تهران، انتشارات پیام نور.
- حاج‌یوسفی، علی (۱۳۸۱) «پدیده حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب»، *مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، چاپ اول، صص ۱۷۷-۲۰۵.
- حبیبی، محمدنبی (۱۳۷۷) «بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان گودنشینان جنوب تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- حسین‌پور، رؤیا (۱۳۸۳) «نقش پدیده حاشیه‌نشینی در تغییرات ساختار خانواده»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- دیرخانه شوری عالی جوانان (۱۳۷۹) *پایگاه جوانان در پرتو منشور تربیتی نسل جوان*، تهران، انتشارات اسپید.
- ریانی، رسول (۱۳۸۳) «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آنان در شهر اهواز»، *مجله جغرافیا و توسعه*، سال ۱۳۸۳.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴) *زمینه‌های فرهنگ‌شناسی*، تهران: انتشارات عطار.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۰) *حاشیه‌نشینی*، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، صص ۸۱-۹۲.
- _____ (۱۳۸۴) «توسعه فرهنگی در ایران»، *فصلنامه پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس*، شماره سوم.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۶۷) «ساخت جمعیت در ایران»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۲، صص ۴۶-۴۷.
- سرمذ، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۲) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران، انتشارات آگاه.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱) «ویژگی‌های حاشیه‌نشینی»، *فصلنامه هفت‌شهر*، تهران، شماره ۸، صص ۲۶۱-۲۷۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۳) «شهرنشینی در دوران اخیر»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۶۰-۷۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۶) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ شهرستان شیراز، تهران.
نقدی، اسداله (۱۳۸۱) «تحولات شهر و شهرنشینی در ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن
جمعیت‌شناسی ایران، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص
۳۲۱-۳۳۹.

- Akinyemi, A. (2005) "Migration Dynamics and Changing Rural-Urban Linkages in Nigeria", *International Population Conference Tours, France*, Department of Demography and Social Statistics, Obafemi Awolowo University, Ile Ife, Niger .
- Anderson, J. Lasern, J.E. (1998) "Gender, Poverty and Employment", *Journal of Critical Social Policy*, Vol. 18, No. 2, pp. 241-258.
- Eldering, L. Knorth, J.E. (2007) "Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience", *Journal of Child and Youth Care Forum*, Vol. 27, No. 3, pp. 153-169.
- Lewis, O. (1998) "The Culture of Poverty", *Journal of Society*, Vol. 35, No. 2, pp. 7-35.
- Lin, N. (1978) *Foundation of Social Research*, New York: McGraw-Hill, Inc.
- Vedeld, T. Siddham, A. (2001) "Livelihoods and Collective Action among Slum Dwellers in Mega-city (NewDehli)":
[Online]<<http://www.dlc.dlib.indiana.edu/archive>> [12 Sep. 2006].
- UN (United Nations) Report (2002) "Recommendations on Statistics of International Migration", *Statistical Papers*, No. 58, New York: UN.